

پوران یوسفی پور
(عضو هیئت علمی - واحد خوی)

تأثیر آیات و احادیث در اشعار مولانا اقبال لاهوری

چکیده:

محمد اقبال لاهوری شاعر بزرگ فارسی گوی شبه قاره هندوستان است. توانمندی و مهارت سخنور فارسی زبان سیالکوت در سایه انس و الفت با قرآن مجید به آثار او لطافت و معنویتی خاص بخشیده است. اقبال در جای جای اشعار خود از آیات قرآن و احادیث به طریق مختلف استفاده کرده است که بیانگر عقاید و نظرات و مشرب روحانی و عقاید دینی و تربیتی اوست. در یک کلام مضمون شعر اقبال بیان عشق به دین، قرآن، پیامبر و ائمه بزرگوار است که برای بیان افکار و احساسات خود برگزیده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

کلمات کلیدی:

اقبال، اشعار، آیات، احادیث، اقتباس.

مقدمه:

این مقاله حاصل تحقیقات من است که درباره تاثیر آیات و احادیث در اشعار اقبال لاهوری می باشد. احادیث، روایات، تلمیحات و اشاره های قرآنی و مذهبی که اقبال در اشعار خود به کار برده است بدین قرار است:

۱- اشارات مستقیم قرآنی که شامل اقتباس از آیات قرآن، اقتباس از احادیث نبوی و اشاره به اسامی آیات و سور و پاره ای از اسامی و اصطلاحات قرآنی (یاسین و ماء و طین....) می باشد.

۲- اشارات غیر مستقیم قرآنی، آن دسته از ابیاتی که اشارات قرآنی در آنها به طور مستقیم به کار نرفته است بلکه مفهوم، تداعی گر آیه یا حدیث است. که شامل تلمیح، نعت پیامبر اکرم (ص) و منقبت خاندان نبوت می باشد.

نفوذ فرهنگ اسلامی در افکار و عقاید شعرا و به کار بردن صنعت اقتباس به صور مختلف، به شاعر آن قدرت را بخشید که بتواند از الفاظ و کلمات و ترکیبات عربی در سرودن شعر خویش استفاده کند، بنابراین نفوذ فرهنگی اسلامی در شعر پارسی نه تنها گسترشی در معانی شعری بوجود آورد، بلکه موجب تحول و دگرگونی زبان و شیوه بیان شاعر هم گردید. (صورستانی، شعر، ۱۳۴۸، ص ۷۸)

اینک به کاربرد آیات قرآنی و احادیث نبوی در اشعار اقبال می پردازیم و پاره ای از تأثیرات این شاعر بزرگ فارسی گوی از کلام خداوند و پیامبر اکرم (ص) را بازگو می کنیم.

۱- اشارات مستقیم قرآنی :

۱- الف اقتباس از آیات قرآن که شامل آوردن کلمه ای از آیه یا تمام آیه کوتاه به صورت درج و حل یا تحلیل (خارج ساختن عبارت آیه از وزن یا صورت اصلی به طور کامل یا ناقص) می باشد.

نعره زد ای قوم کذاب اشر
بی خیر از یوم نحس مستمر^(ص۳۳)
انا ارسلنا علیهم ریحا صر صرا فی یوم نحس مستمر .^(نمران ۵۴ آیه ۱۱)

تو هم از بار فرائض سر متاب
برخوری از عنده حسن الماب^(ص۳۳)
ذلک متاع الحیوه الدنیا والله عنده حسن الماب .^(آل عمران ۵۳ آیه ۱۴)

هیچ خیر از مردک زرکش مجو
تالوا البر حتی تنفقوا^(ص۳۱)
دل ز حتی تنفقوا محکم کند
زرفزاید الفت زر کم کند^(ص۳۱)
لن تالوا البر حتی تنفقوا مما تجبون و ما تنفقوا من شیء فان الله به علیم .^(آل عمران ۵۳ آیه ۱۱)

لا اله باشد صدف گوهر نماز
قلب مسلم را حج اصغر نماز
در کف مسلم مثال خنجر است
قاتل فحشا و بغی و منکر
است^(ص۳۱)

واقم الصلوه ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر و لذكر الله اکبر و الله یعلم ما تصنعون.
حکویت (۲۴) به ۲۵

مدعای علم الاسماستی
سر سبحان الذی اسراستی^(ص۳۲)

و علم آدم الاسماء کلها ثم عرضهم علی الملائکه .^(بقره ۲۲ آیه ۲۱)
سبحان الذی اسرى بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصى الذی بارکنا حوله
لنریه من آیاتنا انه هو السميع البصیر .^(الاسراء ۵۷ آیه ۱)

- گوهر دریای قرآن سفته ام شرح رمز صبغه الله گفته ام (ص ۳۳۱)
- قلب را از صبغه اله رنگ ده عشق را ناموس و نام و تنگ ده (ص ۳۳)
- صبغه الله و من احسن من الله صبغه و نحن له عابدون (ص ۱۳۸)
- حرف اقواحق به ما تعلیم کرد رزق خویش از دست ما تقسیم کرد (ص ۳۵۱)
- اقرا باسم ربك الذي خلق. (ص ۱۴۲)
- آیتی بنما ز آیات مبین تا شود اعناق اعدا خاضعین (ص ۳۵۲)
- ان نشأنتزل علیهم من السماء آیه فظلت اعناقهم لها خاضعین . (ص ۳۵۲)
- اهل حق را رمز توحید از بر است در آتی الرحمن عبدا مضمراست (ص ۳۲)
- ان کل من فی السموات والارض الا آتی الرحمن عبدا . (ص ۳۲)
- ما مسلمانییم و اولاد خلیل (ع) از ایبکم گیر اگر خواهی دلیل (ص ۳۳)
- و ما جعل علیکم فی الدین من حرج مله ایبکم ابراهیم هو سمیکم المسلمین من قبل و فی هذا لیکون الرسول شهیدا علیکم و تكونوا شهداء علی الناس . (ص ۳۳)
- مرگ را سامان ز قطع آرزوست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از ایبکم محکم از لا تنقطواست (ص ۳۲)
- قل یا عبادى الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا انه هو الغفور الرحیم . (ص ۳۲)
- ای که در زندان غم باشی اسیر از نبی تعلیم لا تحزن بگیر (ص ۳۴)
- و اذ اخرجه الذین کفروا ثانی اثین اذهما فی الغار اذ یقول لصاحبه لا تحزن ان الله معنا . (ص ۳۴)
- قوت ایمان حیات افزایش دهد ورود لا خوف علیهم بایدت (ص ۳۵)

قلنا اهبطوا منها جميعا فاما يا تينكم منى هدى فمن تبع هداى فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون .

چون کلیمی سوی فرعونى رود
قلنا لا تخف انك انت الاعلى . (سوره طه آیه ۶۸)

تارك **آفل** براهيم خليل
چون ز بند **آفل** ابراهيم رست
انبيا را نقش پای او دليل (ص ۶۸)
در میان شعله ها نیکو نشست
علم مسلم کامل از سوز دل است
معنى اسلام ترك **آفل** است (ص ۶۴)
فلما جن عليه الليل رءا كوكبا قال هذا ربي فلما افل قال لا احب الاقلين . انعام (۶) آیه ۷۶

جوى اشك از چشم ببخوابش چكيد
و عهدنا الى ابراهيم و اسماعيل ن اطهراً بيتى للطائفين و العاكفين و الركع السجود . بقره (آیه ۱۲۵)
تا نهای تب **علينا** غنچه بست
رينا و اجعلنا مسلمين لك و من ذريتنا امه مسلمه لك و ارننا منا سكنا و تب علينا انك انت
التواب الرحيم . بقره (آیه ۱۲۸)

مرسلان و انبيا آباى او
يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكر و انثى و جعلناكم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اكرمكم
عندالله ان الله اتقاكم ان الله خير . شعرات (۳۸) آیه ۱۲

همچوسرو آزاد فرزندان او
امت مسلم ز آیات خداست
پخته او **قالوا بلى** پيمان او (ص ۶۱)
اصلش از هنگامه ی **قالوا بلى** ست (ص ۵۰)
بلى از پرده ساز که برخاست
انجم روز **الست** آراستند
بر وجود خود گواهی خواستند

واذا اخذ ربك من بنى آدم من ظهورهم هم ذريتهم و اشهدهم على انفسهم الست بربكم قالوا
بنى شهدنا ان تقولوا يوم القيمة انا كنا عن هذا غافلين . اعراف (۷۱) آیه ۱۷۲

گفت قاضی فی القصاص آمد حیوه زندگی گیرد به این قانون ثبات (ص ۷۳)
ولکم فی القصاص حیوه یا ولی الالباب لعلکم تتقون . بقره (۲) آیه ۱۷۹

مدعی را تاب خاموشی نماند آیه بالعدل و الاحسان خواند (ص ۷۳)
ان الله یامر بالعدل و الاحسان و ایتای ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی
یعظکم لعلکم تذكرون . سوره (۱۱) آیه ۱۰۷

الله الله بای بسم الله پدر معنی ذبح عظیم آمد پسر (ص ۷۳)
وفدینا بذبح عظیم . سوره (۳۷) آیه ۱۰۷

جنتی جستند در بنس القرار تا اهلوا قومهم دارالبوار (ص ۷۸)
الم تر الی الذین بدلوا نعمه الله کفرا و اهلوا قومهم دار البوار جهنم یصلونها و بنس القرار
براهیم (۱۶۲) آیه ۲۹

از اجل این قوم بی پرواستی استوار از نحن نزلنا ستی (ص ۸۰)
انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون . حجر (۱۵) آیه ۹

تا خدا ان یطفنوا فرموده است ز فسردهن این چراغ آسوده است. (ص ۸۰)
یریدون ان یطفنوا نورالله بافواههم و یابی الله الا ان یتم نوره ولو کره الکا فرون . نوره (۹) آیه ۲۴

حرف او را ریب نی تبدیل نی آیه اش شرمنده ی تاویل نی (ص ۸۲)
ذلک الکتاب لاریب فیہ هدی للمتقین . بقره (۱) آیه ۲

لهم البشری فی الحیوه الدنیا و فی الاخره لا تبدیل لکلمات الله ذلک هو الفوز العظیم بقره (۱) آیه ۲

قطعه کردی امر خود را در زبور جاده بیمایی الی شیء فکر (ص ۸۳)

فتقطعوا امرهم بینهم زیرا کل حزب بما لدیهم فرحون . (سوره بقره (۱۰۳) آیه ۵۲
 فقول عنهم یوم یدع الداع الی شیء نکر . (سوره بقره (۱۵۶) آیه ۶

امیبی پاکی از هوی گفتار او شرح رمز ما شوی گفتار او (سوره ۱۵۰)
 ماضل صاحبکم و ما غوی . و ما ینطق عن الهوی . (سوره ایت ۲۴)
 تو که مقصود خطاب انظری پس چرا این راه چون کوران بری (سوره ۱۳۸)
 هرکه آیات خدا بیند حراست اصل این حکمت ز حکم انظروست (سوره ۱۴۰)
 فانظر الی آثار رحمت الله کیف یحی الارض بعد موتها ان ذلک لمحی الموتی و هو علی کل شیء قذیر . (سوره ۳۰) آیه ۵۰
 علم اشیا علم الاسماستی هم عصا و هم ید بیضاستی (سوره ۱۳۱)
 علم اسما اعتبار آدم است حکمت اشیا حصار آدم است . (سوره ۱۳۸)
 رازدان علم الاسماء که بود؟ مست آن ساقی و آن صهبا که بود ؟ (سوره ۱۳۳)

و علم آدم الاسماء کلها ثم عرضهم علی الملائکه . (سوره ایت ۲۱)

گفت آن مقصود حرف کن فکان زیر پای امهات آمد جنان (سوره ۱۳۱)
 و اذا قضی امرنا فانما یقول له کن فیکون . انما امره اذا اراد شیئا یقول له کن فیکون ، انما قولنا لشیء اذا اردنا ه ان نقول له کن فیکون .

آن نگاهش سرما زاغ البصر سوی قوم خویش باز آید اگر (سوره ۱۳۸)
 تا زمازاغ البصر گیرد نصیب بر مقام عبده گردد رقیب (سوره ۱۳۹)
 مازاغ البصر و ما طغی . (سوره ایت ۱۷)
 خرقه ی لا تحزنوا اندر برش انتم الاعلون تاجی بر سرش (سوره ۱۳۱)
 ولا تنهوا و لاتحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مومنین . (سوره ایت ۱۳۹)

گشای چهره که آن کس که **لن توانی** گفت هنوز منتظر جلوه ی کف خاک است (ص ۱۳۳)

لن توانی نکته ها دارد دقیق اندکی گم شو درین بحر عمیق

حکیمان با کلیمان دوش بر دوش که این جا کس نگوید لن ترانی

ولما جاء موسى لميقاتنا و كلمه ربه قال رب ارنى انظر اليك قال لن ترانى و... امرت (ص ۱۳۴)

برق سینا شکوه سنج از بی زبانی های شوق هیچ کس در **ودای** ایمن تقاضائی نداشت (ص ۱۵۷)

انى انا ربك فاخلع نعليك انك بالواد المقدس طوى . ط (ص ۱۶۰) آیه ۱۲

و علم آدم الاسماء كلها ثم عرضهم على الملائكة . بقره (ص ۱۶۱) آیه ۲۱

بانوی آن تا حدار **هل اتی** مرتضی مشکل گشا شیر خدا

مادر آن مرکز پرگار عشق مادر آن کاروان سالار عشق (ص ۱۰۳)

هل اتی علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیئا مذکوراً . الانسان (ص ۱۶۶) آیه ۱

تا خدای کعبه بنوازد تو را **شرح انی جاعل** سازد تو را (ص ۱۸۸)

و اذا قال ربك للملائكة انی جاعل فی الارض خلیفه قالوا اتجعل فیها من یفسدها فیها . بقره (ص ۱۶۰) آیه ۳۰

کل مومن **اخوه** اندر دلش حریت سرمایه از آب و گلش (ص ۱۶۱)

انما المومنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون . حجرات (ص ۱۶۱) آیه ۱۰

قوت ایمان حیات افزایش **ورد لاخوف علیهم** بایدت (ص ۱۵۸)

درس **لاخوف علیهم** می دهد تا دلی در سینه آدم نهد (ص ۱۶۱)

- قلنا اهبطوا منها جمیعاً فاما یاتینکم منی هدی فمن تبع هدای فلاخوف علیهم و لا

یحزنون بقره (ص ۱۶۰) آیه ۲۸

- بلی من اسلم وجهه لله و هو محسن له اجره عند ربه و لاخوف علیهم و لاهم یحزنون بقره (ص ۱۶۰) آیه ۱۱۲

-- والذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله ثم لا یتبعون ما انفقوا منا و لا اذی لهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون . (نور آیه ۳۲)

-- فرحین بما آتیهم الله من فضله و یتبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و لا هم یحزنون . (نور آیه ۳۳-۳۴)

آن که شان اوست **یهدی من یرید** از رسالت حلقه گرد ما کشید (ص ۹۹)
و یرید الله الذین اهتدوا هدی و الباقیات الصالحات خیر عند ربک ثوابا و خیر مردا . (سرم آیه ۱۹۱-۱۹۲)

هر که یا در بند اقلیم و جد است
است . (ص ۱۱۰)

رشته ای با **لم یکن** باید قوی
(ص ۱۱۱)

گر به **الله الصمد** دل بسته ای
از حد اسباب بیرون جسته ای
الله الصمد، لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد . (نور آیه ۲۰۳-۲۰۴)

مجو مطلق در این دیر مکافات
که مطلق نیست جز **نور السموات** (ص ۱۲۵)
و لله نور السموات و الارض نور (نور آیه ۳۵)
شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پتال جامع علوم انسانی

ای فروغت صبح اعصار و دهور
چشم تو بیننده ما فی **الصدور** (ص ۱۱۴)
ان الله عالم غیب السموات و الارض انه علیم بذات الصدور . (نور آیه ۳۸)

مه و سالت نمی ارزد به یک جو
به حرف کم لبثتم غوطه زن شو (ص ۱۲۵)
قال کم لبثتم فی الارض عدد سنین . (سرم آیه ۱۱۲)

آنکه **حی لایموت** آمد حق است
زیستن با حق حیات مطلق است (ص ۱۸۵)

و توکل علی الحی الذی لایموت و سبح بحمده و کفی به بذنوب عباده خیرا. قرآن (۲۵) آیه ۵۸

زندگی جهد است و استحقاق نیست **جز به علم انفس آفاق نیست** (ص ۹۱)

و فی الارض آیات للموقنین و فی انفسکم افلا تبصرون. ذاریات (۵۱) آیات ۲۱-۳۰

گرچه عین ذات او بی پرده دید **رب زدنی از زبان او چکید** (ص ۹۱)

فنعالی الله الملك الحق و لا تجعل بالقران من قبل ان یقضی الیک و حیه و قل رب زدنی علما. ط (۲۰) آیه ۱۱۴

ای تو را تیری که ما راسینه سفت **حرف ادعونی که گفت و با که گفت** ص ۳۳

و قال ربکم ادعونی استجب لکم ان الذین یتکبرون عن عبادتی سید خلون جهنم داخرین. سوره غافر (۴۰) آیه ۶۰

صصری ده با هوای بادیه **انهم اعجاز نخل خاویه** (ص ۳۱)

و اما عادفاهلکوا بریح صرصر عاتیه . سخرها عليهم سبع لیل و ثمانیه ایام حسوما فتری القوم

فیها صرعی کانهم اعجاز نخل خاویه . طساقه (۹۱) آیه ۷

حرف انی جاعل تقدیر او **از زمین تا آسمان تفسیر او** (ص ۳۸)

قال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه قالوا اتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک

الدماء و نحن نسبح بحمدک و نقدر لک قال انی اعلم ما لا تعلمون . بقره (۲) آیه ۲۰

از ربا آخر چه می زاید فتن **کس نداند لذت قرض الحسن** (ص ۳۱۶)

۱- من ذالذی یقرض الله قرضا حسنا فیضا عفه له اضعافا کثیره و الله یقبض و یسط و الیه ترجعون . بقره (۲) آیه ۲۷۵

۲- من ذا الذی یقرض الله قرضا حسنا فیضا عفه له و له اجر کریم . حدید (۵۷) آیه ۱۱

آب و نان ماست از یک مائده **دوده آدم کنفس واحده** (ص ۳۱۶)

ما خلقکم و لا بعثکم الا کنفس واحده ان الله سمیع بصیر. شعان (۲۱) آیه ۲۸

نکته ی **الابسلطان** یادگیر

ورنه چون مور و ملخ در گل بچیر (ص ۳۸)

یا معشر الجن و لانس ان استطعتم ان تفتدوا من اقطار السموات و الارض فانفدوا لا تفتدون

الابسلطان . الرحمن (۱۵۵) آیه ۳۳

رازها با مرد مومن بازگویی

شرح رمز **کل یوم** بازگویی (ص ۳۶)

یستله من فی السموات و الارض کل یوم هو فی شان . رحمن (۱۵۵) آیه ۲۱

بنده ی مومن امین حق مالک است

غیر حق هر شی که بینی **هالک** است (ص ۳۶)

و لا تدع مع الله الها آخر لا اله الا هو کل شی هالک الا وجهه له الحکم و الیه ترجعون

تحریر (۱۲۸) آیه ۸۸

ارض حق را ارض خود دانی بگو

چیسیت شرح آیه ی **لا تفسدوا** (ص ۳۱)

و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها و ادعوه خوفا و طمعا ان رحمه الله قریب من المحسنین امرات (۳)

آیه ۵۲

.... و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها ذلكم خیر لکم ان کنتم مومنین . امرات آیه ۵۵

نور چشم **رحمه للعالمین**

آن امام اولین آخرین (ص ۱۰۳)

نوع انسان را پیام آخرین

حامل او **رحمه للعالمین** (ص ۵۲)

خلق و تدبیر هدایت ابتداست

رحمه للعالمین انتهاست

و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین . سوره نساء آیه ۱۰۷

الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی . امل (۵۷) آیات ۲۶

مذعبا پیدا نگردد زین دو بیت

تا نبینی از مقام ما رهسیت (ص ۳۳)

فلم تقتلوهم و لكن الله قتلهم و ما رمیت اذ رمیت و لكن الله رمی و لیلی المومنین منه بلاء
 حسنا ان الله سمیع علیم (سوره انفاس ۱۷۰ تا ۱۷۳)

یا اولی الامری که منکم شان اوست آیه ی حق حجت و برهان اوست (سوره انفاس ۱۷۳)
 یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم . (سوره انفاس ۵۹ تا ۶۱)

مرد حر محکم زورد لا تخف ما به میدان سر به جیب او سر به کف
 (سوره انفاس ۳۰۹)

نه آن لحنی که نی شرقی و نه غربی است نوایی از مقام لا تخف زن امر ۳۵۲
 قلنا لا تخف انک انت الاعلی . (سوره انفاس ۶۸ تا ۷۰)

از شریعت احسن التقویم شو وارث ایمان ابراهیم شو (سوره انفاس ۳۰۲)
 لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم . (سوره انفاس ۸۵ تا ۸۶)

علم و حکمت ریزه نی از خوان کیست ؟ آیه فاصبحتم اندر شان کیست ؟ (سوره انفاس ۳۰۷)
 و اعتصموا بحبل الله جمیعا و لاتفرقوا و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین
 قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا . (سوره انفاس ۱۰۳ تا ۱۰۶)

خرقهی آن برزخ لایغیان دیدمش در نکته ی لی خرقان
 (سوره انفاس ۴۲۶)

بینهما برزخ لایغیان . (سوره انفاس ۴۰۰)
 مصراع دوم اشاره به حدیث : لی خرقان الفقر و الجهاد .

ملت بیضا تن و جان لا الله ساز ما را پرده گردان لا الله

لا اله سرمایه اسرار ما رشته اش شیرازه ی افکار ما

قبای لا اله خونین قبائی است که بر بالای نامردان دراز است (سوره انفاس ۱۸۵)

در قرآن چندین بار به لاله اشاره شده است .

۱- ب اقتباس از احادیث

آنکه خاشاک بتان از کعبه رفت
مرد کاسب را حییب الله گفت (مر ۳۹)
انکاسب حییب الله - کسب کننده (مال حلال) دوست خداست .

ذات او دروازه ی شهر علوم
زیر فرمانش حجاز و چین و روم (مر ۴۰)
انا مدینه العلم و علی بابها فمن اراد العلم فلیات الباب . من شهر علم و علی در آن است پس
هر کس که علم بخواهد باید از درش وارد شود .

تا کجا در روز و شب باشی اسیر
رمز وقت از لی مع الله یا دگیر (مر ۴۱)
لی مع الله هر کرا در دل نشست
آن جوانمردی طلسم من شکست (مر ۴۲)
لی مع الله وقت لا یسعی فیہ ملک مقرب و لانی مرسل .

بهر آن شهزاده ی خیر الملل
دوش ختم المرسلین نعم الجمیل (مر ۴۳)
نعم الجعل جملکما و نعم العدلان انتما .
گفت با امت زدنای شما
دوست دارم طاعت و طیب و نسا
آنکه نازد بر و جودش کائنات
ذکر او فرمود با طیب و صلوه (مر ۴۴)
بیامبر فرمود ند : نماز بوی خوش و زن را دوست دارم .

آن امن الناس بر مولای ما
آن کلیم اول سینای ما (مر ۴۵)
امن الناس علی فی صحبته و ما له ابوبکر .

از حدیث مصطفی داری نصیب
دین حق اندر جهان آمد غریب (مر ۴۶)

الا سلام جاء غریب. اسلام ظهور کرد در حالیکه غریب بود .

ابغض الاشیاء عندی الطلاق

گفتمش بگذر ز آئین فراق

ابغض الاحلال الی الله الطلاق (س ۳۶)

ابغض الاشیاء عندی الطلاق

منفورترین حلال ها نزد خداوند طلاق در خانواده است .

جنگ را رهبانی اسلام گفت (س ۳۲)

آنکه حرف شوق با اقوام گفت

الجهاد رهبانیه الاسلام . رهبانیت اسلام جهاد در راه خداست

نوجوانا نیمه ی پیری است غم (س ۳۷)

ضعف ایمان است و دلگیری است غم

الهم نصف الهم .

من غلام آنکه بر خود قاهر است (س ۳۸)

می شناسی حرص فقر حاضر استر

ایاکم و الطمع ، فانه الفقر الحاضر . از طمع بهره‌یزید که آن فقر آماده است .

مسجد من این همه روی زمین (س ۳۹)

مومنان را گفت آن سلطان دین

پیامبر فرمودند : تمام روی زمین مسجد من است .

شیم را تاب مه آورده ی تست (س ۴۰)

دو چارم کن به صبح من رآنی

من رآنی نقد رالله .

که خود فاش بیند رمز لولاک (س ۴۱)

مسلمان را همین عرفان و ادراک

نولاک لما خلقت الافلاک . ای پیامبر اگر تو نبودی افلاک را نمی آفریدم

خدا اندر قیاس ما ننگجد شناس آن را که گوید ما عرفناک (مر ۲۸۵)
عجز الواصفون عن صفتک ما عرفناک حق معرفتک . وصف کنندگان از وصف تو عاجز
شدند و کسی نمی تواند آنطور که شایسته تو است تو را بشناسد .

دریدن دارای اگر سوز حیات هست معراج مسلمان در صلوات (مر ۲۸۶)
الصلوة معراج المومن = نماز معراج انسان مومن است .

گفت آن مقصود حرف کن فکان زیر پای امهات آمد جنان (مر ۲۸۷)
الجنة تحت اقدام الامهات - بهشت زیر پای مادران است .

زندگی از دهر و دهر از زندگی است لا تسبوا الدهر فرمان نبی است . (مر ۲۸۸)
لا تسبوا الدهر فان الله هو الدهر . روزگار را دشنام ندهید که خدا همو روزگار است .

ای برادر من تو را از زندگی دادم نشان خواب را مرگ گران دادن مرگ را خواب گران (مر ۲۸۹)
الناس نیام و اذا ماتوا انتبهوا . مردم در خواب هستند هنگامی که آنها مردند از خواب بیدار
می شوند .

یعنی آن شمع شبستان وجود بود در دنیا و از دنیا نبود
جلوه او قدسیان را سینه سوز بود اندر آب گل آدم هنوز (مر ۲۹۰)

کنت نبیا و آدم بین الماء و الطین . هنوز آدم در میان آب و گل بود که من پیامبر بودم
نشیمن را دل آدم نهاده است نصیب مشت خاکی او افتاده است (مر ۲۹۱)

قلب المومن عرش الرحمن . عرش خداوند ، دل انسان مومن است .

شعر را مقصود اگر آدم گری است شاعری هم شیوه پیغمبری است (ص ۱۱۲)
الشعرا تلامیذ الرحمن . شاعران ، شاگردان پرورد گارند

پنهان به ذره ذره و نا آشنا هنوز پیدا چو ماهتاب به آغوش کاخ و کوست (ص ۱۱۴)

من اختفی لشدہ نوره . خداوند بخاطر اینکه بسیار آشکار است پنهان به نظر می رسد .

مسکن یار است شهر شاه من پیش عاشق این بود حب الوطن (ص ۱۱۵)
حب الوطن من الایمان . از نشانه های ایمان دوست داشتن وطن می باشد .

روبو از ما محفل ایام را او رسل را ختم و ما اقوام را
لابنی بعدی از احسان خداست برده ناموس دین مصطفی است . (ص ۱۱۶)
انت منی بمنزله هارون من موسی و لانی بعدی . تو نزد من مانند هارون در نزد موسی هستی
به جز اینکه بعد از من پیامبری نیست .

ج- اشاره با اسامی آیات و سوره پاره ای از اسامی و اصطلاحات قرآنی

سلوات بانگ صلوات اندر نبرد قرات الصافات اندر نبرد (ص ۱۱۷)
به آیاتش ترا کاری جز این نیست که از یس او آسان بمیری (ص ۱۱۷)
امتراج ماء و طین تن پرور است کشته ی فحشا هلاک منکر است (ص ۱۱۷)
تا کجا خود را شماری ماء و طین از گل خود شعله ی طور آفرین (ص ۱۱۷)

۲- اشارات غیر مستقیم قرآنی

نعت پیامبر اکرم (ص) و منقبت خاندان نبوت

ای ظهور تو شباب زندگی جلوه ات تعبیر خواب زندگی (ص ۱۱۸)

مسلم اول شه مردان علی
عشق را سرمایه ایمان علی (ص ۳۲)

مریم از یک نسبت عیسی عزیز
از شه نسبت حضرت زهرا عزیز (ص ۱۰۳)

تلمیح

تجلی افکار و عقاید مذهبی در مضمون و معانی شعر اقبال تنها از طریق اقتباس معانی آیات قرآنی و احادیث نبوی نیست بلکه تلمیح و اساطیر دینی نیز جلوه خاصی به اشعار او بخشیده است. از جمله اشاره به داستان حضرت یوسف (ع) - حضرت ابراهیم (ع) و..

ابیاتی درباره داستان حضرت ابراهیم (ع)

خیز و خلاق جهان تازه شو
شعله دربر کن خلیل آوازه شو (ص ۳۵)

عشق با دشوار ورزیدن خورش است
چون خلیل از شعله گل چیدن، خوشست (ص ۳۵)

خویش را در نار آن نمرود سوز
چون که بستان خلیل از آذر است.

قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم (ص ۳۵) آیه ۲۱

ربنا انی اسكنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع عند یشک المجرم . ابراهیم (ص ۱۴) آیه ۲۷

بهر ما ویرانه ای آباد کرد
طائفان را خانه ای بنیاد کرد

و فدیناه بدبج عظیم . سالت (ص ۳۷) آیه ۱۰۷

می کند از ما سوی قطع نظر
می نهد ساطور بر حلق پسر (ص ۳۳)

از ته آتش براندا، ازیم گل
نار هر نمرود را سازیم گل

شعله های او صد ابراهیم سوخت
تا چراغ یک محمد بر فروخت (ص ۱۱۶)

شبی به میکده خوش گفت پیر ژنده دلی
به هر زمانه خلیل است و آتش نمرود

خود حریم خویش و ابراهیم خویش
چون ذبیح الله در تسلیم خویش

ابیاتی درباره داستان حضرت یوسف (ع)

نصیب خود زبوی پیرهن گیر
به کعبان نکهت از مصر و یمن گیر (ص ۱۶۴)

اذهبوا بقمیصی هذا فالقوه علی وجه ابی یات بصیرا و اتونی با هلكم اجمعین . یوسف (۱۱) آیه ۲۲

ره رسم فرمانروایان شناسم
خران بر سر بام و یوسف به چاهی (ص ۱۳۸)

عصر من داندۀ اسرار نیست
یوسف من بهر این بازار نیست (ص ۱۳۸)

یوسف گم گشته را باز گشودم نقاب
تا به تنگ مایگان ذوق خریدن دهم (ص ۱۵۲)

رزق خود را از کف دونان مگیر
یوسف استی خویش را ارزن مگیر (ص ۱۶۴)

اگر از یوسف سرگشته سخن نتوان گفت
تپش خون زلیخا نه توداری ونه من (ص ۱۵۲)

در خودی کن صورت یوسف مقام
از اسیری تا شهنشاهی خرام (ص ۳۸)

قال اجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظ علیم . مرا سرپرست خزائن قرار ده که نگهدارنده و آگاهم یوسف (۱۱) آیه ۵۵

ابیاتی درباره داستان حضرت موسی (ع) :

نامید ستم زیاران فدیم
طور من سوزد که می آید کلیم (ص ۷)

پنجه کن با بحرّم ارضحراستی
برق من درگیر اگر سیناستی (ص ۷)

خلوت او در ذغال تیره فام اندر مفاک
جلوتش سوزد درختی را چو خس بالای طور (ص ۳۲)

فکر من از جلوه اش مسحور گشت
خانه من شاخ نخل طور گشت (ص ۱۱)

جلوه ها خیز در نقش پای او
صد کلیم آواره سینای او (ص ۳۲)

تا کجا خود را شماری ماء و طین
از گل خود شعله طور آفرین (ص ۳۲)

موسی بیگانه سینای عشق
بی خبر از عشق و از سودای عشق (ص ۵۵)

از کلیمی سبق آموز که دانای فرنگ
جگر بحر شکافید و به سینا نرسید (ص ۱۶۴)

برق سینا شکوه سنج از بی زبانی های عشق
هیچ کس در ودای ایمن تقاضایی نداشت (ص ۱۵۷)

فلما قضی موسی الاجل و سار باهله انس من جانب الطور نارا قال لاهله امکنوا انی
انست نارالعلی اتیکم منها بخیبر او جذوه من النار لعلکم تصطلون . قصص (۱۲۸) آیه ۲۹

انی انا ربک فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی . طه (۱۰۷) آیه ۱۲

ضرب قلندری بیار سد سکندری شکن
چشم موسی خواست دیدار وجود
به که با نور چراغ ته دامان سازیم
زان تجلی ها که در جانم شکست
رسم کلیم تازه کن رونق سامری شکن (ص ۱۳۶)
این همه از لذت تحقیق بود (ص ۳۸)
طاقت جلوه سینا نه تو داری و نه من (ص ۱۳۳)
چون کلیم الله فنادم جلوه مست (ص ۱۳۹)

تا عصای لا اله داری به دست
فالقی عصاه فاذا هی ثعبان مبین (ص ۱۰۴ آیه ۱۰۴)
هر طلسم خوف را خواهی شکست (ص ۳۰)

اشاره به معجزات حضرت موسی :

خشک سازد هیبت او نیل را
در کف موسی همین شمشیر بود
سینه دریای احمر چاک کرد
همین دریا همین چوب کلیم است
کله نمرود بی ضربی شکست
از عصا دست سفیدش محکم است
نور قدیمی شب را برافروز
شب خود روشن از نور یقین کن
اهل دل را سینه سینا دهد
حاکمی بی نور او خام است خام
صاحبش بالاتر از امید و بیم
اضمم یدک الی جناحک تخرج بیضاء من غیر سوء آیه اخیری. (ص ۱۰۰ آیه ۲۴)

می برد از مصر اسرائیل را (ص ۳۱)
کار او بالاتر از تدبیر بود (ص ۳۹)
قلزمی را خشک مثل خاک کرد (ص ۳۹)
که از وی سینه دریا دو نیم است (ص ۱۳۶)
لشکر نمرود بی حربی شکست (ص ۱۳۱)
قدرت کامل به علمش توام است (ص ۱۱۲)
دست کلیمی در آستینی (ص ۱۵۱)
ید بیضا برون از آستین کن (ص ۱۱۷)
با هنرمندان ید بیضا دهد (ص ۱۸۷)
بی ید بیضا ملوکیت حرام (ص ۳۴)
دست و بیضا تر از دست کلیم (ص ۳۹)

طاقت پرواز بخشد خاک را
خنصر در ظلمات او آب حیات
خنصر باشد موسی ادراک را (ص ۳۳)
زنده تر از آب چشم کائنات (ص ۱۵)

شریک سوز و ساز بحر و بر شو (ص ۱۱۶)

سکندر با خضر خوش نکته ای گفت

درباره حضرت نوح (ع)

حرف آن بیچاره تاثیری نداشت (ص ۱۱۷)

جز دعاها نوح تدبیری نداشت

وقال رب لاتذر علی الارض من الکافرین دیارا . نوح (ص ۱۱۷) آیه ۲۵

ایاتی درباره حضرت آدم (ع)

بر عناصر حکم او محکم شود (ص ۱۱۷)

نائب حق در جهان آدم شود

بر عناصر حکمران بودن خوش است (ص ۱۱۷)

نائب حق در جهان بودن خوش است

و اذا قال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه قالوا اتجعل فیها من یفسدها فیها . نوح (ص ۱۱۷) آیه ۲۵

این مشت غباری را انجم به سجود آمد (ص ۱۱۷)

برخیز که آدم راهنگام نمود آمد

از شوخی آب او گل در گفت و شنود آمد (ص ۱۱۷)

آن راز که پوشیده در سینه هستی بود

جهانی از ارم زیباتری ساخت (ص ۱۱۷)

ز آب و گل خدا خوش پیکری ساخت

رنگ و نم چون گل کشید از آب و گل (ص ۱۱۷)

گرچه آدم بردمید از آب و گل

ز آن راز که با دلم سپردی (ص ۱۱۷)

خاکم به فراز عرش بردی

توده های خاک را آدم نمود (ص ۱۱۷)

تادم تو آتشی از گل گشود

وز رسالت در تن ما جان دمید (ص ۱۱۷)

حق تعالی پیکر ما آفرید

ناله در ابریشم عودم تپید (ص ۱۱۷)

چون مرا صبح ازل حق آفرید

اول آدم را سر فتراک بست (ص ۱۱۷)

آنکه تیرش قدسیان را سینه خست

گر از ما سجده ای پیش بتان خواست

مرنج از برهن ای واعظ شهر

بنی را سجده ای از قدسیان خواست (ص ۱۱۷)

خدای ما که خود صورتگری کرد

او به نهاد است خاک ، من نژاد آدم (ص ۱۱۷)

نوری نادان نیم سجده بر آدم برم

سوزم و سازی و هم آتش میناگرم (ص ۱۱۷)

رابطه سالمات ضابطه امهات

خلقتنی من نار و خلقتنه من طین (ص ۱۱۷) آیه ۱۱

- گرچه فسو نش مرا برد زراه صواب
از غلطم در گذر عذر گناهم پذیر (ص ۳۱۷)
- این آدم دل به ابلیسی نهاد
من ابلیسی ندیدم جز فساد (ص ۳۱)
- جرم ما از دانه ای ، تقصیر او از سجده ای
نی به آن بیچاره می سازی نا با ما ساختی (ص ۳۲۷)
- بوالبشر چون رخت از فردوس بست
یک دو روزی اندرین عالم نشست (ص ۳۰۲)
- این فضا ها سوز آهش دیده است
ناله های صبحگاهش دیده است (ص ۳۰۲)
- در مورد حضرت علی (ع)
- مرسل حق کرد نامش بوتراب
حق یدالله خواند در ام الکتاب
- هر که در آفاق گردد بوتراب
از گرداند ز مغرب آفتاب (ص ۳۴)
- بیت دوم در مورد غزوه حنین پیغمبر با دعای « اللهم رد علی علی الشمس » آفتاب را بر گرداند تا حضرت علی (ع) نماز بگذارد.
- چون لی در ساربان شعیر
گردن مرحب شکن خیر بگیر (ص ۱۰۶)
- زیر پاش اینجا شکوه خیر است
دست او آنجا قسیم کوثر است (ص ۳۲)
- پنجه حیدر که خیر گیر بود
قوت او از همین شمشیر بود (ص ۹)
- در مورد جنگ خیر ، که حضرت علی (ع) فاتح این جنگ بود و مرحب مبارزیهودی خیر را از پای در آورد.
- در مورد پیامبر اکرم (ص)
- در شبستان حرا خلوت گزید
ماند شبها چشم او محرم نوم
- اشاره به این که پیامبر در غار حرا با خدای خود راز نیاز می کرد .
- بوریا ممنون خواب راحتش
قوم و آئین و حکومت آفرید
- مصرع اول اشاره به زندگی ساده پیامبر و مصرع دوم اشاره به حادثه ای که پس از تولد پیامبر (ص) در ایوان کسری رخ داد.
- من چه گویم از تولایتس که چیست
خشک چوبی در فراق او گریست (ص ۱۲)

اشاره به این حادثه که پیامبر هنگام ایراد سخنرانی به ستون چوبی تکیه می دادند تا اینکه در سال هشتم هجری از حبشه منبری برای پیامبر آوردند و پیامبر بر این آیین منبر تکیه و سخنرانی می کردند. در این زمان ستون چوبی از مفارقت پیامبر ناله کرد.

اشاره به معجزه ی شق القمر پیامبر (ص)

آنکه مهتاب از سر انگشتش دو نیم
رحمت او عام و عام اخلاقش عظیم
پنجه او پنجه حق می شود
ماه از انگشت او شق می شود (ص^{۹۱})
عشق با نان جوین خبیر گشاد
عشق در اندام مه چاکی نهاد (ص^{۹۲})
آشکارا مهر و مه از جلوتش
نیست ره جبرئیل را در خلوتش (ص^{۹۳})
اشاره به مبارزه پیامبر با بت پرستی و اقدام به شکستن بت‌های داخل خانه کعبه.
پخته سازد فطرت هر خام را
از حرم بیرون کند امیتام را (ص^{۹۴})

اشاره به فرمانروایی سلیمان بر جن و انس و ربوده شدن انگشتر توسط صخر جنی.

آن نگینی که تو با اهرمان باخته ای
هم به جبرئیل امینی نتوان کرد گرو (ص^{۹۵})
ای مسلمان دگرا عجاز سلیمان آموز
دیده بر خاتم تو اهرمنی نیست که نیست (ص^{۹۶})
ماز نعمتهای او اختوان شدیم
یک زبان و یک دل و یک جان شدیم (ص^{۹۷})
انما المومنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون . حجرات (۳۹) آیه ۱۰

آنکه در قرآن خدا او راستود
آنکه حفظ جان او موعود بود (ص^{۹۸})

یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک
من الناس ان الله لا یهدی القوم الکافرین . (سوره اعراف آیه ۶۷)

گرچه ملت هم بمیرد مثل فرد
از اجل فرمان پذیرد مثل فرد
قل لا املک لنفسی ضرا و لا نفعا الا ما شاء الله لکل امه اجل اذا جاء اجلهم فلا یستأخرون
ساعه و لا یستقدمون . (سوره اعراف آیه ۶۹)

آنکه دوش کوه بارش بر نیافت سطوت او زهره گردون شکافت (سر ۳۳)
 انا عرضنا الامانه على السموات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها و اشفقن منها و حملها
 الانسان انه كان ظلوما جهولا . (احزاب (۳۳) آیه ۷۲)

جلوه در تاریکی ایام کن آنچه بر تو کامل آمد عام کن
 ...الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا . (مائده (۱۵) آیه ۲)

پوشش عربیانی مردان زن است حسن دلجو عشق را پیراهن است (سر ۱۰۱)
 احل لکم لیلہ الصیام الرفث الی نساءکم هن لباس لکم و انتم لباس لهن . (بقره (۲) آیه ۱۸۷)
 حق زمین را جز متاع ما نگفت این متاع بی بها مفت است (سر ۳۱)
 ...قل متاع الدنیا قلیل و الاخره خیر لمن اتقی و لا تظلمون فتیلا . (سجده (۳۳) آیه ۳۴)

رایت حق از ملوک آمد نگون قریه ها از دخلشان خوار و زبون (سر ۳۲)
 قالت ان الملوک اذا دخلوا قریه افسدوها و جعلوا اعزہ اهلها اذله و كذلك یفعلون . (نیل (۳۷) آیه ۳۳)
 با مسلمان گفت : جان بر کف بنه هر چه از حاجت فزون داری بده (سر ۳۷)
 یسئلونک ماذا ینفقون قل ما انفقتم من خیر فقلوا لئدین و الاقریین و الیتامی و المساکین و ابن
 السبیل و ما تفعلوا من خیر فان الله به علیم . (بقره (۲) آیه ۲۱۵)

مریدی فاقه مستی گفت با شیخ که یزدان را ز حال ما خیر نیست
 به ما نزدیک تری از شهرگ ماست ولیکن از شکم نزدیک تر نیست (سر ۳۴)
 و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن اقرب الیه من حبل الورد . (شعرا (۱۵) آیه ۱۶)

خدا آن ملتی را سروری داد که تقدیرش به دست خویش بنوشت
 به آن ملت سروکاری ندارد که دهقاننش برای دیگری کشت (سر ۳۵)

له معقبات من بین یدیه و من خلفه یحفظونه من امرالله ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتغیروا ما بانفسهم و اذا اراد الله بقوم سوء افلا سردله و ما لهم من دنه من وال . و عدد (۱۳۲) تا (۱۳۱)

میان امتان والا مقام است که آن امت دو کیتی را امام است

نیا ساید زکار آفرینش که خواب و خستگی بروی حرام است (س ۳۵۶)

الف) الله الا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنه و لانوم ... (س ۳۵۵ تا ۳۵۴)

ب) ولقد خلقنا السموات و الارض و ما بینها فی سنه ایام و ما مسنا من لغوب . (س ۳۵۱ تا ۳۵۰)

اشاره به هجرت رسول اکرم (ص) از مکه به مدینه

مومنان را فطرت آموز است حج هجرت آموز و وطن سوزست حج (س ۳۴۱)

اشاره به حضرت زکریا، ایوب و عیسی

زهرها دریاده ی گلفام اوست اره و کرم و صلیب انعام اوست (س ۳۳۹)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نتیجه :

بی گمان نفوذ دین اسلام در ایران و هند تاثیر بسزایی در جاودانگی و لطافت آثار ادبی بجا نهاده است شاعران و نویسندگان دو شادوش بهره گیری های آهنگی و معنوی و پنداری از جنبه های بلاغی قرآن نیز در آثار خود استفاده می کردند .

اقبال تحت تاثیر و نفوذ یک خانواده مذهبی و افراد متدین بود تا اینکه به درجات بالای علمی نائل گردید و از طرف دیگر با قرآن انس داشت و در معانی بلند روحانی قرآن تدبیر و تدبر می کرد و با توجه به آنچه بیان شد می توان نتیجه گرفت که اقبال در سرودن اشعار خود که اکثر آنها فارسی است توجه عمیقی قرآن و مفاهیم آن و همچنین احادیث گوناگون و سرگذشت پیامبران و ائمه داشته است . علی الخصوص که در اشعار خود به لسان الغیب خواجه شیراز و مولانا جلال الدین محمد بلخی توجه داشته است و مسلم است که این دو شاعر برجسته از جمله شاعرانی هستند که در آثار آنها به وفور به آیات قرآنی و روایات مذهبی برخورد می کنیم . مولانا اقبال که در اشعار خود بیش از همه به این دو شاعر نامی توجه داشته است تحت تاثیر مفاهیم بلند و پر مغز قرآن کریم و سخنان لطیف و گوهر بار پیامبران و ائمه قرار گرفته است و در جای جای اشعار خود از این گوهر های ناب به طرق مختلف استفاده کرده است .

منابع :

- ۱- قرآن مجید، ترجمه عبدالمحمد آیتی
- ۲- تفسیر المیزان، طباطبایی سید محمد حسین، ترجمه مکارم شیرازی، چاپ سوم ۱۳۶۶، بنیاد علی و فکری علامه طباطبایی، چاپ گلشن.
- ۳- تأثیر حدیث و قرآن در ادب فارسی، حلی علی اصغر، چاپ اول ۱۳۶۹، انتشارات پیام نور.
- ۴- کشف آیات، ملک زاده علی رضا، چاپ اول، ۱۳۶۱، چاپخانه حکمت قم.
- ۵- کلیات اشعار فارسی، اقبال لاهوری، ۱۳۴۳، انتشارات کتابخانه سنائی، چاپخانه گیلان.
- ۶- کلیات فارسی علامه اقبال، (میدکه لاهور) لاهوری اقبال، به تصحیح، مقدمه محمد بقائی (ماکان)
- ۷- لعل روان (شرح و بررسی تطبیقی غزلهای اقبال)، بقائی (ماکان) محمد، چاپ اول انتشارات گیلان.